این وسواس لعنتی موفق‌ها

درباره سندروم ایمپاستر که باعث نارضایتی افراد موفق می‌شود بیشتر بدانید

۱۰

هدیه‌ای هنری برای ایران

نمایشگاه آثار هنرجویان بهمن پناهی، استاد خوشنویسی و مبدع موزیکالیگرافی در فرهنگستان هنر برپاست

۱۲

یک اتفاق مرا از فوتبال دور کرد

خاطره‌بازی با هادی نراقی جوان‌ترین کاپیتان تاریخ باشگاه استقلال

۱۵

همشهری جمعه

پنجشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۱ ■ ۲۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ■ شماره ۱۷۲

عکس: امیر رستمی

محبوبیت نتیجه تلاش‌هاست نه فالوئرها

با جعفر دهقان، ستاره دهه‌های ۶۰ و ۷۰ سینمای ایران، درباره فضای سینما و تقدیری که از او صورت گرفته و چیزهای دیگر

الناز عباسیان

نام جعفر دهقان، البته همیشه در سینمای ایران مطرح و بر سر زبان‌هاست؛ به‌واسطه کثرت فیلم‌های ماندگار و پرفروشی که در این چند دهه ایفاگر نقش‌های اصلی‌شان بوده است. اما این روزها به واسطه تجلیل از چند دهه فعالیت هنری این بازیگر نام‌آشنا در جشنواره فیلم شهر، بار دیگر نگاه‌ها به کارنامه درخشان این بازیگر دوست‌داشتنی معطوف شده است. او البته یک‌بار دیگر نیز سابقه تقدیر در جشنواره را هم داشته اما شگفت‌زده است که چرا چنین اتفاقی هنوز در جشنواره فیلم فجر نیفتاده، درحالی‌که برای خیلی‌هایی که سابقه و سطح درخشش کمتری دارند چنین امری به واقعیت تبدیل شده است. در نهایت اینکه این بزرگداشت اتفاق افتاده در جشنواره فیلم شهر که یکی، ۲ هفته پیش اتفاق افتاد و بازپخش سریال «مختارنامه» که جعفر دهقان هم از نقش‌آفرینان آن بوده و...، بهانه‌ای شد تا دوباره پای گفت‌وگو با این بازیگر شناخته‌شده سینما و تلویزیون ایران بنشینیم؛ بازیگری که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جزو چهره‌های مطرح سینمای ایران بود و با نام‌هایی چون حاتمی‌کیا و ملاقلی‌پور گره خورده و آثار ماندگاری چون «مردان آنجلس»، «مختارنامه»، «یوسف پیامبر»، «معمای شاه»، «سرزمین کهن»، «حماسه مجنون»، «یتیم‌خانه ایران»، «سیب و سلما»، «گلوگاه شیطان»، «مریم مقدس»، «بوی پیراهن یوسف»، «حمله به اچ ۳»، «پرواز در شب»، «تیرباران»، «دستفروش»، «بلمی به‌سوی ساحل» و... خودش را در تاریخ سینما و تلویزیون کشورمان ماندگار کرد. وی سرگرم بازی در سریال «طلاق» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی و «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری هم هست. حرف‌هایش شنیدن دارد...

به سلامتی چندی پیش شاهد بزرگداشت شما در جشنواره فیلم شهر هم بودیم. سورپرایز شدید یا خبر داشتید؟

قبل از اینکه بخواهند بزرگداشتی داشته باشند ۲هفته قبل‌تر اطلاع داده بودند که نیت‌شان چنین چیزی است. وقتی خبر را شنیدم خیلی هم خوشحال شدم. تا اینکه روز موعود شد و رفتیم و مراسم هم به خوبی و خوشی برگزار شد. به هر حال نمی‌توانم کتمان کنم که خوشحال شدم دیگر.

اولین بزرگداشت شما بود؟

یک‌بار هم چنین اتفاقی برایم در جشنواره فیلم مقاومت افتاده بود. واقعاً تشکر می‌کنم از بزرگوارانی که باعث و بانی چنین تقدیرهایی بودند؛ آقای خزایی و اکبرشاهی و دیگران و هیأت‌داوران و... که بنده را شایسته این امر دانستند. فقط گلایه‌ای در این میانه دارم...

چه گلایه‌ای؟

ببینید! من الان نزدیک ۵دهه است که دارم کار بازیگری و هنری می‌کنم؛ یعنی از ۶، ۵سال قبل از انقلاب کارم را شروع کرده‌ام و تا چند دهه فعالیت مستمر داشته‌ام. قاعدتاً نخستین توقعم این است که در جایی مثل جشنواره فجر تقدیر شوم. در جشنواره فیلم شهر هم گفتم که این اتفاق باید در جشنواره فجر می‌افتاد و برگزارکنندگان جشنواره فیلم شهر، برگزارکنندگان جشنواره فیلم را با این کارشان شرمنده خودشان کردند. حالا گاهی گفتم شاید شرایطش نبوده و چه ایرادی دارد مگر ولی وقتی می‌بینم از کسانی تقدیر به عمل آمده بوده که سابقه و سطح اثرگذاری و ایفای نقش کمتری نسبت به من داشتند، آدم یک لحظه به این فکر می‌کند که چه دست‌هایی مگر پشت صحنه است که هنوز نوبت به من و امثال من نرسیده؛ خدا عالم است دیگر. اینکه دیگر چرا نوبت من نرسیده را واقعاً نمی‌دانم و خدا می‌داند. من الان چند سالی است که زیاد در سینما کار نمی‌کنم که البته دلایل شخصی دارم به این منظور...

اتفاقاً سؤال بعدی‌ام همین بود. در گپ و گفت قبلی هم که داشتیم به این نکته اشاره کرده بودید که به‌خاطر فضای سینما، ترجیح شما بر دوری و کم‌کاری نسبت به چنین سینمایی بوده. از نظر شما فضا همان فضاست یا بهتر شده یا بدتر؟

اگر من این سال‌ها کمتر در سینما حضور دارم، دلیلش این نیست که پیشنهاد سینمایی ندارم. اتفاقاً پیشنهاد می‌شود و فراوان هم پیشنهاد می‌شود ولی کارهایی که پیشنهاد می‌شود، حس می‌کنم که جای من آن‌جا نیست. بالاخره من کارهایی انجام داده‌ام و سابقه‌ای در انتخاب نقش‌ها و کارهایم دارم که باعث می‌شود تا نتوانم به هر مسیری در سینما بروم. اگر این نقش‌های پیشنهادی را هم بپذیرم به نوعی به این مسیری که طی کرده‌ام دهن‌کجی کرده‌ام و دلم نمی‌خواهد چنین کاری را انجام بدهم.

مگر این فضا و نقش‌ها چه اشکالاتی داشته یا دارند که باعث چنین نگاهی در شما شده است؟

متأسفانه سینما به آن سمتی که فکرش را می‌کردم و برایش تلاش کرده‌ام، نرفته.

کدام سمت و هدف؟

یک سینمای ارزشی و سرشار از معنا و معنویت. نقش‌ها و فیلم‌هایی که پیشنهاد می‌شود سطح نازل و پایینی دارند و کارهایی بی‌محتوا محسوب می‌شوند و دوست ندارم در آنها حضور داشته باشم؛ به همین دلیل ترجیح فعلی‌ام بر دوری از چنین سینما و رویکردی است. واقعاً امیدوارم روزی برسد که سینمایی دارای ارزش و مفهوم و معنا داشته باشیم و سینما به مسائلی بپردازد که موضوعش دغدغه مردم باشد، نه اینکه صرفاً مسکنی باشد برای مردم که یکی دو ساعتی بروند در سالن‌ها و بخندند و مثلاً شاد شوند و دوباره برگردند و هم فیلم و هم موضوع و هم رویکردش را فراموش کنند.

دهه‌های ۶۰ و ۷۰، اوج حضور شما در سینما بود و به نوعی نبض گیشه و نقش اول‌ها را در اختیار داشتید. بازیگر معروف دهه‌های ۶۰ و ۷۰ سینمای ایران، اخیراً فیلمی برای این سینما بازی نمی‌کند یا بازی نخواهد کرد؟

نه والله، اخیراً فیلمی بازی نکرده‌ام؛ یعنی از گفت‌وگوی قبلی‌مان تا الان خیر.

برای تلویزیون چطور؟

یک‌سریال ۶۰قسمتی برای ابوالقاسم طالبی کار کرده‌ام. کارهای دیگری هم هست جسته‌گریخته، مثل «زخم و خنجر» که کاری است از حسین گنج‌خانی. کاری هم هست برای دوست عزیزمان، محمدحسین حقیقت که قرار است چند وقت دیگر جلوی دوربینش برویم. حالا که به دهه ۷۰ هفتاد اشاره کرده‌اید اجازه هست نکته‌ای بگویم؟

بله، با کمال میل...

این را می‌خواستم بگویم که ما در حالی در سینمای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ستاره سینما و تلویزیون بودیم که خبری از فضای مجازی نبود و چیزی به اسم فضای مجازی اصلاً وجود نداشت که حالا بخواهیم دنبال فالوئر جمع کردن و القا و ایجاد محبوبیت از این طریق باشیم. بر خلاف امروزه که طرف یک فیلم بازی نکرده، سریع صفحه‌ای مجازی باز کرده و دنبال جمع کردن فالوئر و دنبال‌کننده است تا اثرگذاری‌اش را در سینما و تلویزیون بیشتر کند. به خدا قسم با این چیزها کسی نه معروف می‌شود و نه محبوب. راهش این است که صادقانه و با تلاش‌مان باید محبوبیت و معروفیت برای خودمان ایجاد کنیم؛ نه با ایجاد صفحه و چندصد هزار فالوئر که معلوم نیست چقدرش واقعی و چقدرش فیک است و حواشی خودش را هم دارد. به همین دلیل است که من از چیزهایی مثل تلگرام و واتساپ و اینستاگرام و... متنفرم و به همین دلیل خیلی کم با رسانه‌ها گفت‌وگو می‌کنم.

ما در حالی در سینمای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ستاره سینما و تلویزیون بودیم که خبری از فضای مجازی نبود و چیزی به اسم فضای مجازی اصلا وجود نداشت که حالا بخواهیم دنبال فالوئر جمع کردن و القا و ایجاد محبوبیت از این طریق باشیم

چرا واقعاً؟

هر وقت گفت‌وگو کردم از سر و ته حرف‌های بنده چیزهایی برداشته‌اند و به هم وصل کرده‌اند که جنجالی درست کنند تا مثلاً دنبال‌کنندگانشان بیشتر و بیشتر شوند؛ کارهایی که واقعاً خوبیت ندارد.

وقتی با این چیزها مشکل دارید، اخبار و رویدادهای روز را از چه طریقی پیگیری می‌کنید؟ هنوز هم مثل قبل روزنامه‌خوان هستید؟

هنوز هم روزنامه می‌خوانم و به سنت روزنامه‌خوانی پایبندم. اخبار تلویزیون را هم دنبال می‌کنم و کمابیش در جریان رویدادها و خبرها هستم. چنین نیست که حالا خیلی هم بی‌خبر باشم.

شما در مسیر حرفه‌ای خود نقش‌های فاخر و خوبی را انتخاب و اجرا کرده‌اید؛ از مردان آنجلس گرفته تا مختارنامه که این روزها دوباره می‌خواهد بازپخش شود تا «یوسف پیامبر» و «سرزمین کهن» که هنوز پخش نشده و «معمای شاه» و بسیار نمونه‌های دیگر. این گزیده‌کاری شما و اینکه به هر قیمتی راضی به ایفای نقش نیستید خیلی ارزشمند است، درحالی‌که شاید مشکلات مالی هم از این بابت برای‌تان ایجاد شود...

بله، قاعدتاً مشکلات مالی هم هست. من اگر هر کاری که پیشنهاد می‌شد را انجام می‌دادم که وضعیتم الان خیلی بهتر بود، البته الان هم مشکل مالی ندارم.

شغل دوم دارید؟

نه. ولی با همین کارهایی که جسته‌گریخته می‌کنم هم خدا را شکر زندگی‌ام را اداره می‌کنم و مشکل خاصی نیست.

شاید به نوع زندگی فرد هم برمی‌گردد و بازیگری بخواهد اشرافی و لاکچری زندگی کند و دیگری نه...

برای من کارهایی که می‌کنم بیشتر ارزش دارد تا نوع چگونه زندگی کردنم. من ۵، ۴ دهه فعالیت هنری را پشت‌سرم دارم، هر کاری که می‌خواهم بکنم باید دقت داشته باشم آیا این سابقه را زیرسؤال می‌برد یا نه. هرچند خدا را شکر زندگی خوبی هم دارم؛ خانه و ماشین دارم و بچه‌هایم نیز سر خانه و زندگی‌شان رفته‌اند. مگر از زندگی چه می‌خواهم دیگر؟

نقش‌های تاریخی آقای بازیگر

یوسف پیامبر

۱۳۸۷

کارگردان: **فرج‌الله سلحشور**

نقش: **عزیز مصر**

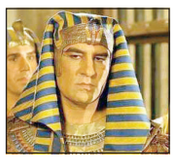

یکی از موفق‌ترین سریال‌های تاریخی ساخت ایران را باید همین سریال «یوسف پیامبر» دانست؛ چراکه دامنه پخش بین‌المللی خوبی پیدا کرد. نقش جعفر دهقان در این سریال در هیبت همسر زلیخا و عزیز مصر نیز از نقش‌های تاریخی جالب توجه این بازیگر محسوب می‌شود که هنوز در یاد خیلی‌ها مانده است.

مردان آنجلس

۱۳۷۶

کارگردان: **فرج‌الله سلحشور**

نقش: **ماکسی میلیان**

جعفر دهقان با این سریال و با نقش اول و مهمی که در آن داشت، تسلط خودش در ایفای نقش‌های تاریخی را به رخ کشید. نقش‌آفرینی او با صداپیشگی منوچهر اسماعیلی، در یاد مخاطبان سریال‌های تاریخی ماندگار شد و یکی از نقاط عطف کارنامه بازیگری او محسوب می‌شود.

محمای شاه

۱۳۹۴

کارگردان: **محمدرضا ورزی**

نقش: **رضاشاه**

هنوز هم خیلی‌ها جعفر دهقان را با آن موهای تراشیده و سبیل از بناگوش در رفته، در همین هیبت نقش رضاشاه به یاد می‌آورند. نقش را هم خیلی خوب از کار درآورده است، هرچند انتقادهایی به این سریال و نحوه کارگردانی ورزی وارد است اما اینها باعث نمی‌شود ایفای نقش دهقان را نادیده بگیریم.

مریم مقدس

۱۳۷۹

کارگردان: **شهریار بحرانی**

نقش: **هرود**

این مجموعه البته برای نمایش سینمایی ساخته شده بود، ولی قسمت چنین بود که مینی‌سریال تلویزیونی آن را هم مشاهده کنیم. اینکه یک کشور اسلامی اقدام به ساخت چنین سریالی کرد، خیلی مورد توجه قرار گرفت. نقش هرود با ایفای جعفر دهقان نیز از نقش‌های ماندگار این سریال بود که در یادها ماند.

مختارنامه

۱۳۸۹

کارگردان: **داوود میرباقری**

نقش: **مصعب بن زبیر**

پخش سریال مختارنامه هم که شروع شده است. در مختارنامه که می‌توان آن را یکی از قوی‌ترین سریال‌های تاریخی ایرانی دانست، جعفر دهقان نقشی ماندگار را ایفا کرده؛ شخصیتی منفی به نام مصعب بن زبیر. به حق هم‌چنان این نقش را کامل و منفی ایفا کرده که انگار حوزه کاری‌اش فقط نقش‌های تاریخی است.

یادداشت

سلبریتی‌ها بالاخره موضع بگیرند یا نگیرند؟

عیسی محمدی

این روزها هر کسی که یک حساب شخصی در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد، می‌تواند و البته به‌خودش حق می‌دهد که به نسبت وزن و سواد و حد و اندازه و قواره خودش، در مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و... مشارکت داشته باشد. مدام هم با این استدلال که این وظیفه ماست یا حق اظهارنظر داریم و... این قضیه را پشتیبانی منطقی می‌کنند. وقتی که مردم عادی در چنین وضعیتی هستند، طبیعی است که سلبریتی‌ها و ورزشکاران و چهره‌های شاخص و هنرمندان ما نیز در این حوزه قرار بگیرند و بخواهند مشارکت اجتماعی انجام بدهند. به هر حال آنها نیز بخشی از این جامعه هستند و نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند. تا این‌جای کار که همه‌چیز منطقی است و مشکل خاصی وجود ندارد. پس مسئله اصلی کجاست؟

تا حالا به این فکر کرده‌اید که چرا به چهره‌های شناخته‌شده این همه تبلیغات و کارهای تبلیغی سپرده می‌شود؟ چرا به من و شما چنین چیزهایی را نمی‌سپرند؟ بله، درست حدس زدید؛ آنها محبوبیت و معروفیت اجتماعی دارند و در نتیجه همین امر باعث شده تا خواسته یا ناخواسته الگوسازی و الگوپذیری اجتماعی هم نزد گروه‌هایی از جامعه داشته باشند. بحث ما منطقی‌بودن یا نبودن این فرایند نیست، صرفاً داریم می‌گوییم که چنین قصه‌ای هست؛ صرفاً داریم توصیف می‌کنیم. در واقع چرخش بزرگی حتی در حوزه بازاریابی اتفاق افتاده و امروزه بازاریاب‌ها به جای اینکه تبلیغات مستقیم سفارش بدهند، ترجیح می‌دهند با افرادی که مقبولیت و محبوبیت اجتماعی دارند، وارد مذاکره شوند. این دست افراد همچنین نیازی را به خوبی درک کرده‌اند و دست بالا را در این حوزه‌ها می‌گیرند.

سؤال اصلی این‌جاست: چرا یک سلبریتی و چهره شناخته شده، باید بیش از پیش مراقب رفتار، گفتار، حتی پندار خودش باشد؟ ساده‌ترین دلیلش همین است: او چه بخواهد و چه نخواهد و ما چه دوست داشته باشیم یا از این قضیه متنفر باشیم، محل مراجعه و تماشا و تمرکز و توجه گروه‌هایی، حالا کم یا زیاد از جامعه هست و خواهد بود. همه‌جای دنیا هم چنین قصه‌ای هست و صرفاً خاص ما نیست. هر سلبریتی و چهره شناخته‌شده و فوتبالیست و بازیگر و هنرمندی این قضیه را نفی کرد، فقط باید از او بپرسید که چرا پس سراغ‌تان می‌آیند برای این همه کار تبلیغاتی و مشارکتی و...؟ اگر شما مقبولیت و مرجعیت خواسته و ناخواسته نداشته باشید، چرا آنها باید به‌خودشان زحمت بدهند که نزد شما بیایند؟ مگر چه آورده‌ای برای‌شان دارید؟ صنایع و صاحبان کسب‌وکار و بزرگان بازاریابی، نسبت به خرج‌کرد و هزینه‌کرد پول و بودجه‌شان به‌شدت حساس و سفت و سخت هستند. دقیقاً می‌دانند که چه چیزی هم در جامعه اثرگذار است. به همین دلیل وقتی سر کیسه را برای قراردادهای تبلیغاتی با چهره‌ها شل می‌کنند، یعنی که این چهره‌ها اثرگذاری اجتماعی و عمومی دارند.

وقتی شما این اثرگذاری اجتماعی و عمومی را در کنار موضع‌گیری‌های این افراد قرار می‌دهید، این‌جاست که کارها خراب می‌شود. در این‌جا دیگر موضع‌گیری یک فرد صرفاً موضع‌گیری یک فرد معمولی نیست؛ ممکن است باعث جذب یا دفع عده زیادی از آدم‌ها به یک نظر یا یک نقد یا هر چیز دیگری بشود. شاید حتی خود سلبریتی بگوید من یک آدم معمولی هستم، ولی نکته این‌جاست وقتی که چنین فردی از دایره آدم‌های معمولی خارج شده، دیگر یک آدم معمولی نیست و اگر می‌تواند و ظرفیت بالقوه این را دارد که در تبلیغات و دیگر برنامه‌های مشارکتی‌پولی اجتماعی شرکت کند، پس ظرفیت اثرگذاری سوءخواسته و ناخواسته نیز در او وجود دارد حتماً.

در این‌جا بد نیست به دعوای زلاتان ابراهیموویچ و لبران جیمز اشاره کنیم؛ ۲فوق ستاره فوتبال و بسکتبال جهان. زلاتان که غالباً عادت به چنین اظهارنظرهایی دارد، درباره اظهارنظرهای سیاسی و اجتماعی جیمز گفته بود که ترجیح خود او، بر دوری از چنین مواردی است و در یک جامعه متعادل، هر کسی باید کار خودش را بکند؛ ورزشکار ورزش کند، سیاستمدار سیاست‌ورزی کند و یک فعال اجتماعی هم دنبال اثرگذاری اجتماعی برود. و زلاتان البته اشاره می‌کند اگر قرار بود که دنبال سیاست‌ورزی و اظهارنظرهای سیاسی‌اجتماعی برود، به فوتبال نمی‌آمد و عضو احزاب می‌شد.

البته نگاه زلاتان نگاهی درست و کاملی هم هست و در یک جامعه متعادل هر کسی باید کار خودش را از مجرای درست خودش و به درستی انجام بدهد و شامل تداخل مجراها و کانال‌ها و نقش‌ها نباشیم. اما حالا در جامعه‌ای مثل جامعه ما که همه عادت کرده‌اند به اظهارنظر، باید دست‌کم دست به‌عصاتر راه رفت.

کوتاه‌سخن اینکه انتظار اولیه از سلبریتی‌ها و چهره‌ها، البته انتظار معقول و منطقی، آن است که در حوزه‌ای که واقعاً شأن و سوادش را ندارند و حتی انتظار واکنش از آنها نمی‌رود، وارد نشوند. اگر هم قصد ورودی دارند، از مجرای درست و در مسیر درست و در گروه‌بندی و تیم‌بندی با آدم‌های درستش این کارها را پیش ببرند؛ مثل بعضی‌ها که مثلاً به‌عنوان هنرمند در حوزه محیط‌زیست فعالیت می‌کنند یا در امور خیریه و.... این، بهترین شیوه ممکن به‌نظر می‌رسد؛ شیوه‌ای برای کم‌کردن از دردسرهایی که سلبریتی‌ها دارند برای خودشان و جامعه و طرفداران‌شان و دست‌آخر برای حوزه کاری‌شان درست می‌کنند.